



آیت‌الله کاشانی و تداوم جنبش ملی شدن صنعت نفت بعد از کودتای ۲۸ مرداد

وحید کارگر جهرمی^۱

چکیده

نهضت ملی شدن صنعت نفت ایران به عنوان یکی از تأثیرگذارترین رویدادهای تاریخ معاصر ایران به شمار می‌آید که هر چند فصل جدیدی در مسیر مبارزاتی مردم ایران گشود؛ اما سرانجام با توطئه‌های مستبدان داخلی و استعمارگران خارجی به شکست انجامید. در پیروزی و شکست این نهضت عوامل متعددی نقش داشته‌اند که بررسی عملکرد و سهم هر کدام از آنها، می‌تواند الگوی پژوهشی جدیدی در اختیار محققان قرار دهد. در این مقاله تلاش شده است با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی اقدامات و فعالیت‌های آیت‌الله سید ابوالقاسم کاشانی در تداوم نهضت ملی شدن صنعت نفت بعد از کودتای ۲۸ مرداد مورد بازبینی قرار گیرد و به اتهام کسانی که معتقدند آیت‌الله کاشانی بعد از کودتا با حکومت همکاری کرد و سکوت اختیار نمود، پاسخ داده شود.

کلیدواژه‌ها: آیت‌الله کاشانی، ملی شدن صنعت نفت، شکست نهضت ملی، کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲

۱. پژوهشگر پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی

مقدمه

ملی شدن صنعت نفت و پیروزی چشمگیر مردم ایران را می‌توان یکی از رویدادهای مهم تاریخ معاصر ایران در مبارزه با استبداد داخلی و استعمار خارجی ارزیابی کرد که نقش مهمی در مبارزات آزادی‌خواهانه ملت ایران و دیگر کشورها داشته است. آیت‌الله کاشانی با تجربیاتی که در جهاد علیه استعمار انگلیس در زمان جنگ جهانی اول و انقلاب ۱۹۲۰ عراق به دست آورده بود و در این راه پدر خویش را از دست داد در بهمن ۱۲۹۹ ش وارد ایران شد و بار دیگر فعالیت‌های سیاسی خویش را از سر گرفت. مبارزات خستگی‌ناپذیر مردم ایران تحت رهبری و هدایت آیت‌الله سید ابوالقاسم کاشانی و دکتر محمد مصدق رهبران مذهبی و ملی جنبش ملی شدن صنعت نفت، به منظور کوتاه کردن دست بیگانگان از منابع نفتی کشور، موجبات وحشت عوامل داخلی و خارجی استعمار را فراهم کرد و باعث شد تا به بهانه‌های مختلف به حبس و تبعید آیت‌الله کاشانی مبادرت ورزند. اما دستگیری‌های پی‌درپی و زندانی شدن طولانی آیت‌الله کاشانی به هیچ‌وجه ایشان را از ادامه مبارزه با تصویب قرارداد الحاقی و متعاقب آن ملی شدن صنعت نفت باز نداشت و هر بار پس از آزادی از زندان به مبارزات سیاسی خویش علیه حاکمان دست‌نشانده دربار و استعمار انگلیس ادامه داد. سرانجام نهضت ملی کردن صنعت نفت ایران در پی یک دهه اقدامات و مبارزات خستگی‌ناپذیر همه آحاد ملت، در نتیجه وحدت و یکپارچگی آنها به پیروزی رسید و بدین ترتیب دست بیگانگان از منابع عظیم نفتی ایران کوتاه شد. اقدامات و فعالیت‌های گسترده آیت‌الله کاشانی در حمایت از دولت دکتر مصدق پس از ملی شدن صنعت نفت که در اشکال مختلف صورت گرفت، نقش مهمی در اجرایی شدن قانون ملی شدن صنعت نفت و مبارزه با مخالفان داخلی و خارجی نهضت ایفا نمود؛





اما مشخص بود که نیروهای استعمارگر با کمک ایادی دست‌نشانده خویش در داخل که همچنان چشم طمع به منابع نفت کشور داشتند، همه توان خویش را به منظور نابودی نهضت ملی ایران صرف کنند. آنها همه تلاش‌های خود را به منظور ناکام ساختن نهضت انجام دادند و سرانجام موفق شدند با جدایی‌افکنی و اختلاف میان آیت‌الله کاشانی و دکتر مصدق، وحدت و یکپارچگی مردم را که مهمترین دلیل پیروزی جنبش بود تضعیف کنند. بدین ترتیب جنبش ملی شدن صنعت نفت ایران که به نوعی تکرار جنبش مشروطیت بود با پیروزی استعمارگران و تسلط دوباره آنها بر منابع نفتی ایران پایان یافت. مقاله حاضر می‌کوشد با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی، ضمن استفاده از منابع و مآخذ تحقیقی بسیار از جمله متون تاریخی، مطالعات و تحقیقات جدید، اسناد موجود و منتشر نشده تاریخی، نشریات، خاطرات و... گوشه‌ای از فعالیت‌ها و اقدامات آیت‌الله کاشانی در تداوم قانون ملی شدن صنعت نفت بعد از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ را بازگو کند.

ملاقات آیت‌الله کاشانی با زاهدی

به دنبال کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، سرلشکر زاهدی به آسانی حکومت را در دست گرفت و به زودی بر همه جامسلط گردید و گروه بسیاری از مردم را که در مناطق مختلف کشور، مقاومت‌هایی در حمایت از دولت انجام داده بودند، به زندان افکند. دکتر مصدق و چند تن از همکاران او که قبل از ورود مهاجمین از طریق پشت‌بام از خانه گریخته بودند، عصر روز بعد خود را تسلیم کردند.^۱ دادگاه نظامی در جلسه سی و پنجم روز دوشنبه ۳۰ آذر ۱۳۳۲، دکتر مصدق را به سه سال حبس مجرد محکوم کرد.^۲ سایر رهبران جبهه ملی نیز، حداکثر تاده سال به زندان محکوم شدند. دکتر حسین فاطمی وزیر امور خارجه تیرباران شد و حزب توده که نقش ویژه‌ای در وقوع کودتا و دامن زدن به اختلافات داشت از فعالیت افتاد. در این میان عده‌ای که ماه‌ها قبل از کودتا از اختلافات آیت‌الله کاشانی و دکتر مصدق سوءاستفاده کرده بودند، حمایت آیت‌الله کاشانی از زاهدی را بین مردم شایع کردند. اکنون زاهدی فرصت را مناسب می‌دید تا با آیت‌الله ملاقات کند. زیرا از دیدار با ایشان به دو هدف می‌رسید؛ اول اینکه خبر دیدارش با آیت‌الله کاشانی را بین توده مردم پخش می‌کرد و از این طریق، محبوبیتی کسب می‌کرد و دوم اینکه عده‌ای

۱. محمود طلوعی، مصدق در پیشگاه تاریخ، «شگفتی‌های زندگی مصدق»، تهران، علم، ۱۳۷۹، ص ۷۲.

۲. جلیل بزرگمهر، مصدق در محکمه نظامی، تهران، دوستان، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۷۸ و ۸۰.

که به واسطه شایعات نسبت به آیت‌الله کاشانی دو دل بودند، شک آنها به یقین تبدیل می‌شد.^۱ به همین خاطر از آیت‌الله کاشانی تقاضای وقت ملاقات کرد و سه روز بعد از کودتا در روز شنبه ۳۱ مرداد ۱۳۳۲، ایشان را در شمیران با حضور آقایان دکتر بقایی، نادعلی کریمی، حائری زاده و شمس قنات‌آبادی ملاقات نمود.^۲



زاهدی پس از ادای احترام و بوسیدن دست آیت‌الله، از خدمات خود به جبهه ملی در انتخابات دوره شانزدهم و همکاریش با دولت دکتر مصدق در هنگامی که وزیر کشور بود، یاد کرد و در جواب اظهارات آیت‌الله کاشانی که راجع به نفت و غرامت سؤال نمود، پاسخ داد که نفت به انگلیسی‌ها نخواهد داد و غرامات را هم چون انگلستان هیچ‌گونه سهمی ندارد، نخواهد پرداخت.^۳ زاهدی در ادامه به کلام‌الله مجید و شرافت سربازی خود قسم خورد که در مورد مسئله نفت از راه جبهه ملی و دکتر مصدق منحرف نشود و قانون ملی شدن صنعت نفت را اجرا کند. آیت‌الله کاشانی در پاسخ گفت: آنچه را درباره خدمات گذشته خود به جبهه ملی می‌گویید، قبول دارم؛ اما ادامه راه نهضت ملی با زندانی کردن مردم و بیشتر کسانی که در به وجود آوردن نهضت یا ادامه آن زحمت کشیده‌اند درست در نمی‌آید. اگر می‌خواهید مردم ادعای شما را قبول کنند، باید همه دستگیرشدگان را آزاد کنید و اجازه دهید روزنامه‌ها آزادانه منتشر شوند و نمایندگان مجلس را دعوت

۱. عباس سلیمان نژاد، مبارز نستوه، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۰، ص ۱۱۷.
۲. شاهد، ش ۱۹، ۱۰/۶/۱۳۳۲.

۳. حسین مکی، کودتای ۲۸ مرداد و رویدادهای متعاقب آن، تهران، علمی، ۱۳۷۸، ص ۳۶۰. آیت‌الله کاشانی چند روز بعد در مصاحبه با خبرنگار روزنامه/خبرالایوم مصر در شهر بومرماه ۱۳۳۲ گفت: «... من با آنها انگلیسی‌ها جنگیدم و نفوذشان را در این کشور ریشه کن ساختم. اگر عقربه ساعت به عقب بر گردد، باز گشت انگلیسی‌ها به ایران هم میسر است»؛ کیهان، ۱۳۲۳/۶/۲۳.



کنید که استعفای خود را پس گرفته تا مجلس تشکیل شود. همین طور همکاران خویش را از بین افراد مورد اعتماد انتخاب کنید و در مورد نفت با صراحت، برنامه کار دکتر مصدق را ادامه دهید و برای تصویب به مجلس تقدیم نمایید.^۱ زاهدی در مورد آزاد ساختن دستگیرشدگان و روزنامه‌ها به بهانه آنکه اوضاع هنوز عادی نیست مهلت خواست؛ اما در عین حال پذیرفت که آقایان گنجی و میلانی و دیگر نمایندگان روحانی مجلس را هر چه زودتر آزاد کنند و در مورد دعوت نمایندگان مجلس نیز، ظاهراً نظر موافق نشان داد و قول داد که مسئله را مورد مطالعه قرار دهد.^۲ آیت‌الله کاشانی مدتی بعد در مصاحبه با خبرنگاران خارجی در شهریورماه ۱۳۳۲ چنین اعلام کرد:

من از ژنرال زاهدی مادام که به منفعت ایران قدم برمی‌دارد، پشتیبانی می‌کنم و هر وقت که به نظر برسد برخلاف مصلحت ایران عمل می‌نماید، با او مخالفت می‌نمایم. تا این لحظه نمی‌توان راجع به اعمال زاهدی قضاوت کرد و ما هم نمی‌توانیم رویه خود را در قبال او معین نماییم... گمان نمی‌کنم ژنرال زاهدی در قضیه نفت، روشی برخلاف تمایلات ملت اتخاذ کند و به هر حال سیاست رزم‌آرا، دیگر در ایران قابل اجرا نیست و هر کس بخواهد طبق آن عمل نماید با همان سرنوشته مواجه خواهد شد.^۳

رابطه آیت‌الله کاشانی با دولت زاهدی بیش از سه، چهار ماه صمیمانه نبود. بدین ترتیب که هنوز مدت زمان زیادی از کودتای ۲۸ مرداد سپری نشده بود که دولت زاهدی که خود را مدیون محبت‌های انگلیس و امریکا می‌دانست، میزان اعتقاد خود به شرافت سربازی و سوگند را نشان داد و برخلاف تمایلات مردم که از انگلیسی‌ها متنفر بودند، در صدد تجدید رابطه با این کشور برآمد. از همان هنگام، مبارزه آیت‌الله کاشانی با حکومت وی به صورتی آشتی‌ناپذیر آغاز گشت.

الف: مخالفت آیت‌الله کاشانی با برقراری رابطه ایران با انگلستان

به دنبال کودتا، دولت انگلستان حل بحران نفت ایران را مشروط به تجدید روابط سیاسی بین دو کشور کرد، که از مهرماه ۱۳۳۱ قطع شده بود. در روز ۲۹ مهرماه، آنتونی ایدن وزیر امور خارجه انگلستان در نطقی اظهار داشت که انگلستان بار دیگر دست دوستی به سوی ایران دراز می‌کند و برای تجدید مناسبات سیاسی، همه نوع آمادگی

۱. روحانیت و اسرار فاش نشده / از نهضت ملی شدن صنعت نفت، قم، دارالفکر، بی تا، ص ۳۹.

۲. اطلاعات، ش ۸۲۴۰، ۱/۹/۱۳۳۲.

۳. کیهان، ۱۷/۶/۱۳۳۲.



دارد. در ۳۰ مهر، چرچیل، نخست‌وزیر انگلستان، اظهارات مشابهی در مجلس عوام به زبان آورد.^۱

مقدمات تجدید رابطه بین انگلستان و دولت در حالی بر نامه‌ریزی می‌شد که آیت‌الله کاشانی در مهرماه ۱۳۳۲ در مصاحبه با خبرنگار اداره رادیو رم چنین اعلام کرد:

ممکن نیست دیگر انگلیس‌ها بتوانند در کار نفت و سایر امور سیاسی و اقتصادی ایران دخالت کنند و قریباً ملت ایران نفت خود را آزادانه در بازارهای دنیا به فروش خواهند رسانید.^۲

همین‌طور در ۲۲ مهرماه، در مصاحبه با روزنامه/اطلاعات تأکید کرد تا زمانی که قضیه نفت به نفع ملت ایران حل نشده باشد، تجدید روابط سیاسی ایران و انگلیس صلاح نخواهد بود.^۳

با این وجود، وزارت امور خارجه ایران در روز ۹ آبان، در پاسخ اظهارات ایدن، اعلامیه‌ای منتشر ساخت و متذکر شد:

تنها توقع ایران این است که برای حل اختلاف نفت قوانین مصوب کشور محترم شمرده شود و اصل حیثیت و رأفت ملی ایران ملحوظ و اساس عدالت و انصاف رعایت گردد.^۴

متعاقب آن ملکه انگلیس در روز ۱۲ آبان اظهار امیدواری کرد، مناسبات دوستانه بین دو کشور تجدید شود.^۵ در این هنگام، آیت‌الله کاشانی تنها رهبر سیاسی ایران بود که به رغم آنکه دولت با قدرت نظامی، نفس‌ها را در سینه حبس کرده بود، سکوت را شکست و به مخالفت با این موضوع پرداخت.

در اولین واکنش به تصمیم زاهدی مبنی بر ایجاد رابطه با انگلستان، در شب یکشنبه ۱۰ آبان‌ماه، جلسه‌ای با حضور آیت‌الله کاشانی، بقایی و مکی در منزل مشار تشکیل گردید. در این جلسه پیرامون موضوع نفت، مذاکرات مفصلی صورت گرفت و سرانجام قرار بر آن شد تا آیت‌الله کاشانی اعلامیه‌ای راجع به مسئله نفت صادر نماید. آیت‌الله تهیه اعلامیه فوق‌الذکر را به عهده حسین مکی و علی زهری گذاشت و قرار شد پس از

۱. لئونارد ماسلی، نفت، سیاست و کودتا در خاورمیانه، ترجمه محمد رفیعی مهرآبادی، تهران، رسام، ۱۳۶۶، ج ۲، ص ۴۳.

۲. اطلاعات، ۱۳۳۲/۷/۹.

۳. همان، ۱۳۳۲/۷/۲۲.

۴. محمدعلی موحد، خواب‌آشفته نفت، تهران، کارنامه، ۱۳۸۳، ج ۳، ص ۲۹۲.

۵. منوچهر محمدی، مروری بر سیاست خارجی ایران دوران پهلوی، تهران، دادگستر، ۱۳۷۷، ص ۱۰۹.

مبارزات خستگی ناپذیر مردم ایران تحت رهبری و هدایت آیت‌الله سید ابوالقاسم کاشانی و دکتر محمد مصدق رهبران مذهبی و ملی جنبش ملی شدن صنعت نفت، به منظور کوتاه کردن دست بیگانگان از منابع نفتی کشور، موجبات وحشت عوامل داخلی و خارجی استعمار را فراهم کرد و باعث شد تا به بهانه‌های مختلف به حبس و تبعید آیت‌الله کاشانی مبادرت ورزند

تهیه به تصویب و امضاء آیت‌الله رسیده و پس از چاپ در معرض اطلاع عموم قرار گیرد.^۱ آیت‌الله کاشانی در این اعلامیه اظهار داشت که جنبش مردم محروم و رنج‌دیده ایران یک جنبش فردی و شخصی نبوده که «با وجود شخص پایدار و با رفتن فردی مضمحل گردد». وی ضمن برشمردن ویژگی‌های جنبش ملی شدن صنعت نفت اعلام کرد که جنبش مردم ایران، به رغم میل استعمارگران پایدار بوده و در آینده هم خاموش نخواهد شد؛ زیرا پایه‌های جنبش بر دل‌های بیست میلیون

مردم ستم‌دیده ایران استوار گردیده است. آیت‌الله در ادامه ضمن اعتراض به برقراری روابط ایران و انگلیس اظهار داشت برقراری رابطه سیاسی بین آن دو کشور، زمانی میسر است که علل و موجباتی که سبب قطع رابطه بین دول گردیده، برطرف گردد. آیت‌الله با صراحت به استعمارگران و ایادی و طرفداران سیاست آنها در ایران اعلام کرد که با اتکاء به خدای بزرگ و فداکاری ملت قهرمان ایران به راه خود ادامه داده و حاضر به عقب‌نشینی ولو یک قدم هم نخواهد شد. او در پایان حل مشکل نفت ایران را به هر طریقی که «با قانون ملی شدن صنعت نفت و قانون ۹ ماده اجرایی آن» منافات داشته باشد، مردود دانست و گفت:

... استعمارگران باید بدانند که تا جان در بدن داشته و تا خون در عروق جریان دارد محال است بگذارم... بساط سابق را در ایران تجدید نمایند... دولت جناب آقای زاهدی همین تصمیم را دارند که برخلاف مصلحت و رغبت ملت اقدامی ننمایند. این است که آنچه می‌خواستیم با ملت عزیز ایران به میان گذارده و به استعمار انگلستان و عمال آنها گوشزد نمایم.^۲ به رغم پیام آیت‌الله کاشانی در مخالفت با تجدید رابطه بین ایران و انگلیس، دنیس رایت کاردار موقت سفارت انگلیس در تهران در روز سوم آذرماه ۱۳۳۲، وارد تهران شد. آیت‌الله کاشانی، به محض آنکه از تصمیم دولت سرلشکر زاهدی مبنی بر تجدید رابطه

۱. حسین مکی، کودتای ۲۸ مرداد و رویدادهای متعاقب آن، همان، ص ۳۸۵-۳۸۴.

۲. م. دهنوی، مجموعه‌ای از مکتوبات، سخنرانی‌ها و پیام‌های آیت‌الله کاشانی، تهران، شرکت سهامی خاص، ۱۳۶۲، ج ۴، ص ۷۲ و ۷۴.





با انگلستان آگاهی یافت، بار دیگر در عصر روز ۱۱ آذرماه، جلسه‌ای با حضور نمایندگان غیر مستعفی مجلس هفدهم تشکیل داد و در آن به بررسی تجدید رابطه با انگلستان و حل قضیه نفت پرداخت. در این جلسه که در منزل یکی از نمایندگان غیر مستعفی تشکیل شد، مذاکرات تا ساعت ده شب ادامه یافت. بعد از پایان جلسه یکی از اعضای شرکت کننده به خبرنگاران چنین گفت:

بحث دیشب ما در اطراف مسائل جاری روز و بیشتر در اطراف دو موضوع اساسی تجدید روابط با انگلستان و حل قضیه نفت بود. در اطراف این دو موضوع مذاکرات مفصلی شد و به طور کلی نظر عمومی بر این بود که دولت هر تصمیمی نسبت به حل قضیه نفت می‌گیرد، نبایستی از حدود قانون ۹ ماده‌ای ملی شدن نفت تجاوز کند و چون لازم بود این نظر به اطلاع مردم و دولت برسد، قرار شد آیت‌الله کاشانی امروز، طی اعلامیه‌ای نظر و عقیده شرکت کنندگان در جلسه دیشب، درباره تجدید روابط با انگلستان و موضوع نفت به اطلاع عموم مردم برساند.^۱

یکی از نزدیکان آیت‌الله کاشانی در این باره چنین گفت:

آیت‌الله کاشانی از روز قبل، قصد صدور این اعلامیه را داشتند، منتها در جلسه دیشب این موضوع را به دوستان خود متذکر شدند و قرار بر این شد که اعلامیه مزبور به عنوان نتیجه مذاکرات جلسه دیشب انتشار یابد.^۲

در اعلامیه آیت‌الله کاشانی که در شماره مورخ ۱۴ آذر ۱۳۳۲ روزنامه کیهان درج شد، شدیداً با برقراری رابطه با انگلستان مخالفت شد. آیت‌الله در این اعلامیه با ذکر علل قطع رابطه با انگلیس، تجدید آن را تنها با تصویب نمایندگان مجلس اعلام کرد و به همین جهت از دولت خواست:

در مجالی که تا پایان دوره ۱۷ دارد، مقدمات یک انتخابات آزاد و قانونی را فراهم نماید و پس از گشایش دوره هجدهم، آنچه را که به صلاح ملت و مملکت است در معرض افکار نمایندگان ملت گذارده و راه صواب را از آنها بخواهند...

آیت‌الله در ادامه اظهار داشت:

۱. محمدحسن سالمی، تاریخ نهضت ملی شدن صنعت نفت ایران از نگاهی دیگر، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۸، ص ۵۱۲-۵۱۱.
۲. همان، ص ۵۱۲.

دنیا باید بداند که ملت ایران بیدار و هوشیار است و آنچه که به مصلحت کشور و استقلال وطن اوست، خواهد کرد و تجدید روابط که امری است سیاسی منوط و مشروط به حل مسئله نفت، می‌داند...^۱

تجدید رابطه با دولت انگلستان در دانشگاه و بازار و در میان طبقات مختلف مردم تأثیر گذاشت. نواب صفوی نیز که در این زمان در عراق به سر می‌برد، با دولت زاهدی به مناسبت تجدید رابطه با انگلستان به مخالفت پرداخت و گفت به محض ورود به ایران مخالفت خود را با دولت آشکار خواهد کرد.^۲ دانشجویان دانشگاه تهران در اعتراض به ورود نیکسون به ایران در روز ۱۶ آذر، کلاس‌ها را تعطیل نموده و تظاهرات بزرگی ترتیب دادند. مأموران حکومت نظامی پس از محاصره دانشگاه، وارد دانشکده فنی شدند و به روی دانشجویان آتش گشودند.^۳ در نتیجه این حمله سه تن از دانشجویان به نام‌های بزرگ‌نیا، قندچی و شریعت‌رضوی کشته و عده‌ای هم مجروح شدند.^۴ متعاقب آن در صبح روز چهارشنبه ۲۴ آذرماه، تظاهراتی از سوی دانشجویان و طبقات مختلف مردم تهران صورت گرفت؛ اما دولت با اعزام قوای انتظامی در نقاط مختلف شهر، از گسترش تظاهرات جلوگیری به عمل آورد.^۵

ب: مصاحبه آیت‌الله کاشانی با جراید

با وجود مخالفت‌های آیت‌الله کاشانی و دانشجویان در جلوگیری از برقراری رابطه بین ایران و انگلستان، درست در روز درج اعلامیه آیت‌الله کاشانی در روزنامه کیهان، اعلامیه مشترکی از سوی دو دولت ایران و انگلیس در تهران و لندن انتشار یافت و در آن دو کشور خبر از برقراری مجدد روابط سیاسی میان یکدیگر دادند.^۶ به دنبال صدور این اعلامیه، پیامی از طرف زاهدی در رادیو پخش گردید و تصمیم دولت در برقراری مجدد رابطه با دولت انگلستان به گوش مردم رسید.^۷ این موضوع با مخالفت شدید آیت‌الله کاشانی روبه‌رو شد. او در روز شنبه ۲۰ آذرماه، مصاحبه‌ای با خبرنگاران داخلی و خارجی انجام داد که زاهدی از انتشار آن در روزنامه‌ها جلوگیری به عمل آورد و به ناچار به صورت شبانه چاپ و منتشر گردید. آیت‌الله کاشانی در این مصاحبه ضمن تشریح علل و

۱. شاه‌د، ش ۱۱۰۲، ۱۴/۹/۱۳۳۲.

۲. آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، شماره بازبانی ۹۳۰، دی‌ماه ۱۳۳۲، ص ۹۴.

۳. روحانی مبارز آیت‌الله سید ابوالقاسم کاشانی به روایت اسناد، تهران، مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۶۳۵-۶۳۴ و ۶۴۰-۶۳۹.

۴. لئونارد ماسلی، نفت، سیاست و کودتا در خاورمیانه، همان، ص ۴۲.

۵. روحانی مبارز آیت‌الله سید ابوالقاسم کاشانی به روایت اسناد، همان.

۶. محمود طلوعی، بازی قدرت جنگ نفت در خاورمیانه، تهران، علم، ۱۳۷۱، ص ۲۱۶.

۷. محمدعلی سفری، قلم و سیاست، تهران، نامک، ۱۳۷۳، ج ۲، ص ۱۰۲-۱۰۱.



موجبات قطع رابطه با انگلستان، گفت:

آنچه را که دولت فعلاً موجب تجدید رابطه با انگلستان می‌داند به نظر من ارزش ندارد... من از سن ۲۴ سالگی تا به حال همیشه در مقابل انگلیس‌ها چه در بین‌النهرین و چه در ایران با مساعدت ملت ایران فداکاری کرده‌ام. زیر بار نمی‌روم و ملت شریف ایران هرگز تن به این ذلت نخواهد داد و روزی که دولت اعلام تجدید رابطه بدهد، روز عزای ملی است و مردم باید نوار سیاه به سینه خود نصب کنند و از انگلیس‌ها و مساعدین آنها چه خارجی و چه عمال داخلی اظهار تنفر بنمایند... به هر حال ما تا آخرین قطره خود در مقابل انگلیس‌ها و عمال آنها ایستادگی خواهیم کرد....

آیت‌الله در ادامه اظهار داشت، عموم ملت ایران جز عده معدودی از وابستگان به انگلیس، از تجدید رابطه با انگلستان متنفر هستند و «علیهذا این تجدید روابط، قانونی نیست و با مخالفت شدید ملت روبه‌رو شده و پیشیزی ارزش ندارد».^۱

مخالفت آیت‌الله کاشانی با برگزاری انتخابات فرمایشی مجلس هفدهم

رژیم کودتا، همه‌پرسی دکتر مصدق و انحلال مجلس هفدهم را مغایر قانون اساسی اعلام می‌کرد. بنابراین انتظار می‌رفت آن مجلس به دنبال کودتا کار خود را از سر گیرد. با اینکه زاهدی در ملاقات با آیت‌الله کاشانی در روز ۳۱ مرداد، قول داده بود تا نمایندگان مستعفی را دعوت کند و بار دیگر مجلس هفدهم را تشکیل دهد، اما به علت استعفای داوطلبانه دو، سوم نمایندگان مجلس در حمایت از همه‌پرسی دولت دکتر مصدق، با این کار مخالفت کرد.^۲ مهمتر آنکه گروهی از نمایندگان مستعفی، برخلاف مصونیت پارلمانی در زندان رژیم کودتا به سر می‌بردند. این عوامل سبب شد تا دولت مقدمات تشکیل مجلس هفدهم را فراهم کند.^۳ آیت‌الله کاشانی که می‌دانست دولت زاهدی به هیچ‌وجه حاضر به بازگرداندن و کلای مستعفی در زمان دکتر مصدق نیست، خواهان انجام بقیه انتخابات و ادامه دوره هفدهم مجلس شد. دکتر مصدق پس از انتخاب ۷۹ نفر از ۱۳۶ نماینده، انتخابات دوره هفدهم مجلس در سایر نقاط را متوقف کرد و مجلس با همین تعداد نفر افتتاح شد. هر چند دولت دکتر مصدق قول داده بود انتخابات را در سایر

۱. علی محمدی، آیت‌الله کاشانی رایت استقلال، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۳، ص ۱۲۰.

۲. محمدعلی کاتوزیان، مصدق و نبرد قدرت، تهران، رسا، ص ۳۸۵.

۳. روحانی مبارز آیت‌الله سید ابوالقاسم کاشانی به روایت اسناد، همان، ص ۶۳۷.



نقاط برگزار کند؛ اما او در مرداد ۱۳۳۲ با مراجعه به رفراندوم، مجلس را منحل کرد. قبل از آن نیز نمایندگان طرفدار دولت از وکالت استعفا کرده و عملاً مجلس دوره هفدهم تعطیل شده بود. بنابراین آیت‌الله کاشانی بر آن شد حال که دولت زاهدی خواهان بازگرداندن نمایندگان مستعفی نیست، اقدام به برگزاری انتخابات در ۵۷ حوزه‌ای که وکلایشان در دوران دولت دکتر مصدق انتخاب نشده بودند، نماید تا با وکلای غیر مستعفی، اکثریت لازم برای ادامه دوره مجلس هفدهم به دست آید. بدین منظور آیت‌الله در مصاحبه‌های مختلف، تمایل خویش به ادامه برگزاری انتخابات و تشکیل مجدد مجلس دوره هفدهم را به سمع و نظر همگان رساند. به طور نمونه در اول شهریور ۱۳۳۲ در مصاحبه با خبرنگاران خارجی چنین گفت:

پس از انتخاب ۵۷ نفر نمایندگان جدید، مجلس اکثریت خود را به دست خواهد آورد و بحران پارلمانی ایران که در زمان حکومت دکتر مصدق به وجود آمده از بین خواهد رفت...
 همچنین در روز دوم شهریور در یک مصاحبه مطبوعاتی گفت:

تا به حال انتخابات ۵۷ نقطه به عمل نیامده و اگر انتخابات این نقاط انجام شود با نمایندگان غیر مستعفی، اکثریت برای تشکیل جلسات حاصل خواهد شد و آن وقت مجلس باید تکلیف استعفای نمایندگان مستعفی را معلوم کند.^۱

آیت‌الله در مهر ماه ۱۳۳۲ در مصاحبه با خبرنگار روزنامه/اطلاعات چنین اظهار داشت: هیچ راهی برای انحلال دوره ۱۷ مجلس شورای ملی نیست. دولت باید ولو یک ماه هم که از دوره ۱۷ باقی باشد، بقیه انتخابات را انجام دهد. اگر دولت احتیاج به مجلس دارد و می‌خواهد تصمیمات و قوانین را از نظر نمایندگان ملت بگذارد، بقیه انتخابات دوره هفدهم را که هشت ماه از آن باقی مانده، انجام دهد و در مدت باقی مانده از وجود مجلس استفاده ببرد.^۲

با وجود این دولت زاهدی بر آن بود با انحلال مجلس هفدهم و انتخاب افراد دلخواه در مجلس هجدهم به حل مسئله نفت با بیگانگان اقدام نماید. همزمان تلاش‌هایی از سوی سناتورهای برای افتتاح مجدد مجلس سنا صورت گرفت. این اقدام با اعتراض

۱. محمدعلی سفری، قلم و سیاست، همان، ص ۲۶-۲۷.
 ۲. اطلاعات، ۱۳۳۲/۷/۲۲.



آیت‌الله کاشانی و دیگر نمایندگان غیر مستعفی مواجه شد. سرانجام محمدرضا شاه که بعد از کودتا فرمانروای مطلق به شمار می‌آمد، بدون توجه به نظریات سناتورها، آیت‌الله کاشانی و دیگر وکلای غیر مستعفی مجلس هفدهم، فرمان انحلال مجلسین را در تاریخ ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ صادر کرد و به این ترتیب پرونده مشاجرات بسته شد.^۱ بعد از این بود که دولت کودتا، همه توان خود به منظور برگزاری انتخابات کاملاً فرمایشی مجلس هجدهم به کار برد. همزمان مخالفت آیت‌الله کاشانی با دولت زاهدی در اعتراض به ایجاد جو آشفته و مستبدانه کشور در آستانه برگزاری انتخابات دوره هجدهم، وارد مرحله جدیدی شد و فعالیت‌های متعددی از سوی ایشان به منظور جلوگیری از اعمال نفوذ در انتخابات دوره هجدهم و متعاقب آن ممانعت از حل قضیه نفت به سوی بیگانگان صورت گرفت.

الف: مبارزات آیت‌الله کاشانی در مخالفت با دیکتاتوری دولت زاهدی

آیت‌الله کاشانی در آستانه برگزاری انتخابات دوره هجدهم، از آنجا که از جریان انتخابات فرمایشی و نمایشی آگاه بود در نامه‌ای سرگشاده خطاب به زاهدی در تاریخ ۱۵ دی ماه ۱۳۳۲ او را به شدت مورد انتقاد قرار داد. آیت‌الله در قسمتی از این نامه که به صورت شبنامه منتشر گردید، چنین گفت:

متذکر می‌گردم به طوری که معروف و مشهور در نزد همه کس است، دستگاه دولت مشغول تهیه مقدماتی است که انتخابات دوره هجدهم را به طور فرمایشی و لیستی انجام دهد. این عمل گذشته از اینکه برخلاف قانون و حقوق ملت و منافی مصلحت مملکت و شخص جنابعالی است، به طوری که تجربه نشان داده دولت‌هایی که در انتخابات مداخله کرده جز بدنامی استفاده ننموده‌اند و نیز مخصوصاً در تهران هم اگر دولت بخواهد دخالت کند مواجه با مقاومت شدید مردم غیور تهران خواهد شد...

آیت‌الله در ادامه چنین تأکید کرد:

اگر انتخابات فرمایشی انجام بگیرد، هر قراردادی که در مجلس هجدهم به تصویب برسد از نظر ملت ایران دارای ارزش و اعتبار نمی‌باشد و سرنوشت آن مانند قرارداد تحمیلی نفت ۱۹۳۳ خواهد بود.^۲

۱. محمدعلی سفری، قلم و سیاست، همان، ص ۳۰.

۲. م. دهنوی، مجموعه‌ای از مکتوبات، سخنرانی‌ها و پیام‌های آیت‌الله کاشانی، همان، ص ۱۰۸.



زاهدی در همان روز طی نامه‌ای توهین آمیز، چنین به آیت‌الله پاسخ داد:
 دولت مردم را برای انتخابات و کلای صالح و خدمت گزار آزاد گذاشته؛
 متأسفانه ۱۳۶ نفر وکیل و چند هزار نفر کاندیدا... هر یک توقعی دارند و
 ما و شما صلاحیت دخالت نداریم.^۱

همین طور به دعوت آیت‌الله کاشانی، گروهی از مخبرین خارجی برای انجام مصاحبه در صبح روز ۱۲ بهمن ماه ۱۳۳۲ در منزل ایشان حضور یافتند. آیت‌الله در این مصاحبه به خبرنگاران چنین گفت: از زمانی که دولت زاهدی برای تجدید روابط با انگلستان مذاکره می‌نمود، گوشزد کردم «که این جریان به نفع ملت نیست و اکنون هم اعلام می‌دارم که مذاکرات نفت به زیان ملت ایران می‌باشد». آیت‌الله در این مصاحبه ضمن انتقاد از برگزاری انتخابات دوره هجدهم اعلام کرد انتخابات آزاد نیست و افراد نمی‌توانند آزادانه رأی بدهند؛ بلکه این دولت است که عملاً در انتخابات دخالت می‌کند و با استفاده از نفوذ خود، نامزدهای دولتی را از تمام حوزه‌ها بیرون می‌آورد.^۲ فردای آن روز تمام خبرگزاری‌ها مصاحبه آیت‌الله کاشانی را انتشار دادند و از مبارزه او با دولت زاهدی سخن گفتند.^۳ در حالی که در آستانه انتخابات فرمایشی و از پیش تعیین شده مجلس هجدهم، وحشت و اختناق همه جا را فرا گرفته، آیت‌الله کاشانی در اعلامیه‌ای مورخ ۱۴ بهمن ماه ۱۳۳۲ به دولت زاهدی انتقاد نمود. وی در ابتدای اعلامیه خود چنین اظهار داشت:

تذکرات خیر خواهانه خود را بارها به صورت شفاهی و در ضمن اعلامیه و مصاحبه و نامه در رابطه با تجدید رابطه با انگلستان و مسئله نفت و ستم‌هایی که توسط دولت به حقوق مردم و سلب آزادی و اختناق مطبوعات صورت گرفته و به خصوص درباره رعایت آزادی کامل انتخابات که با حیات سیاسی استقلال ملت و مملکت بستگی تام دارد؛ صریحاً گوشزد نموده‌ام؛ مع‌الاسف مشاهده می‌شود که هیچ‌وقت وضعیات مملکت تا این اندازه اسف‌انگیز و دلخراش نبوده و آزادی جز برای عمال انگلیس نیست. مطبوعات و نشریات ملی امکان هیچ گونه اظهار عقیده در بیان حقایق را ندارند. بسیاری از ملیون و آزادی خواهان متدین در زندان‌ها به سر می‌برند. دزدان و جانیان و عناصر بدسابقه کثیف‌ترین عمال انگلیس، با سرنیزه بدون هیچ بیم و هراسی در مراکز

۱. روحانی مبارز آیت‌الله سید ابوالقاسم کاشانی به روایت اسناد، همان، سند شماره ۳۲۹، ص ۶۶۸.

۲. همان، سند شماره ۳۳۳، ص ۶۷۶-۶۷۵.

۳. باقر عاقلی، روز شمار تاریخ ایران از مشروطه تا انقلاب اسلامی، تهران، نامک، ۱۳۸۴، ج ۲، ص ۲۹.

انتخابیه تحمیل به ملت می‌شوند و تصمیم گرفته‌اند دوباره انگلیس‌ها را به جان و مال و عرض و ناموس ملت مسلط ساخته و مملکت را مستعمره انگلیس قرار دهند.

آیت‌الله در ادامه با حمله به دولت کودتایی زاهدی، اعمال او را دیکتاتورمآبانه و رفتارش را قرون وسطایی توصیف کرد و تهدید کرد در صورتی که زاهدی به خیانت خود ادامه دهد، از سوی ملت ایران به شدیدترین وجهی مجازات خواهد شد. آیت‌الله در پایان اعلامیه به بی‌اعتباری مصوبات مجلس هجدهم اشاره کرد و گفت:

اگر مجلس هجدهم هم با این وضعیت ننگین تشکیل شود، هیچ کس جز معدودی نوکران و سرسپردگان اجنبی آن را به رسمیت نمی‌شناسد و هر قراردادی که به تصویب برساند، سرنوشت آن بدتر از قرارداد ۱۹۳۳ خواهد بود.^۱

ب: مخالفت آیت‌الله کاشانی با نمایندگی فرزند خویش در مجلس

سرانجام دستور شروع انتخابات هجدهمین دوره مجلس شورای ملی در روز ۱۵ دی ماه ۱۳۳۲ از طرف وزارت کشور صادر و به فرمانداری‌ها ابلاغ گردید. زاهدی که از اقدامات و فعالیت‌های آیت‌الله کاشانی در مخالفت با خود هراس داشت، تصمیم گرفت فرزند آیت‌الله کاشانی را به شرکت در انتخابات ترغیب کند. هدف حکومت از این کار آن بود که اولاً افکار عمومی را منحرف سازد و بین مردم شایع کند که آیت‌الله کاشانی با انتخابات مجلس هجدهم موافق است،^۲ ثانیاً تصور می‌کرد از طریق انتخاب فرزند آیت‌الله به نمایندگی مجلس، او را راضی نگه داشته و مجبور به سکوت نماید.^۳ سید مصطفی کاشانی که در گذشته با برخی از اعمال نسنجیده خود، ضرباتی بر حیثیت آیت‌الله وارد آورده بود،^۴ پیشنهاد آنان را پذیرفت و موافقت کرد به عنوان نماینده مردم هشترپ طالبش به مجلس راه یابد. اما برخلاف نقشه دولت، این اقدام نه تنها مانع از فعالیت آیت‌الله

۱. م. دهنوی، همان، ص ۱۱۳-۱۱۲.

۲. عباس سلیمان‌نژاد، همان، ص ۱۲۲.

۳. مسعود بهنود، از سید ضیاء تا بختیار، تهران، جاویدان، ۱۳۷۷، ص ۳۹۸.

۴. در روز کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ سید مصطفی کاشانی بعد از اشغال رادیو پشت میکروفن رفت و گفت: «این موفقیت را از طرف خود و والد محترم به ملت ایران تبریک می‌گویم»، عبدالعلی ادیب برومند، سرود رهایی، تهران، بی‌نا، ۱۳۳۱، ص ۱۵۳؛ این اقدامات نسنجیده سید مصطفی کاشانی که بدون اطلاع پدر صورت گرفت، سبب شد تا عده‌ای بدون در دست داشتن مدرک و سند، آیت‌الله را متهم به دست داشتن در کودتا نمایند. به رغم آنکه نطق سید مصطفی با مخالفت شدید آیت‌الله کاشانی مواجه گشت و آیت‌الله به صراحت اعلام کرد که «پدر را به جرم پسر به پای دار مجازات نمی‌کشند»، اما استعمار و مخالفان آشتی دو رهبر در داخل به هدف خود در بی‌اعتبار کردن وجهه آیت‌الله کاشانی دست یافتند. محمدحسن سالمی، تاریخ نهضت ملی شدن صنعت نفت/ ایران از نگاهی دیگر، همان، ص ۴۹۸-۴۹۷؛ آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، کد ۲۳۷۳۳، ص ۲۸.

کاشانی علیه دولت نشد، بلکه آیت‌الله با درخواست فرزندش به نمایندگی مجلس به مخالفت پرداخت.^۱ آیت‌الله کاشانی در این باره می‌گوید:

عده‌ای از اهالی «طالش» نزد من آمدند و رؤسای عشایر و ایلات طالش چندین تلگراف نمودند. در جواب آنها اظهار عدم دخالت کردم؛ مخصوصاً سی و چند نفر از همین رؤسای آنها، تلگرافاً نظر من را جویا شدند؛ جواب دادم سعی کنید آزادی انتخابات را تأمین نمایید. هر کس را می‌خواهید به مجلس بفرستید من با انتخاب سید مصطفی مخالفم.^۲

آیت‌الله کاشانی طی تلگرافی به مردم هشتپر چنین اعلام کرد:

به اطلاع آقایان محترم می‌رساند اینجانب از انتخاب فرزندم به هیچ وجه راضی نیستم در صورتی که انتخابات آزاد باشد و مردم بتوانند آزادانه نمایندگان خود را انتخاب نمایند در انتخاب و کیل شایسته اقدام شود.^۳

هر چند آیت‌الله کاشانی با عصبانیت، پسرش را از این کار نهی کرد، اما سید مصطفی خودسرانه در انتخابات شرکت کرد.^۴ در روز ۲۴ دی‌ماه، اخذ رأی در بیشتر شهرهای ایران آغاز شد. این انتخابات در شرایطی صورت می‌گرفت که دکتر مصدق و چند نفر دیگر از رهبران جبهه ملی یا در زندان بودند یا همچون دکتر فاطمی در اختفا به سر می‌بردند. دولت کودتا با نزدیک شدن تاریخ برگزاری انتخابات، اختناق را شدت بخشید و دادگاه نظامی محاکمه دکتر مصدق، ریاحی، شایگان و... را آغاز کرد و بدین طریق توجه مردم را از اجرای انتخابات فرمایشی به محاکمه دکتر مصدق و دیگران جلب نمود.^۵ با این وجود دکتر مصدق در دادگاه تجدیدنظر نظامی، ضمن دفاعیات خود گریزی به انتخابات زد و آن نمایش مسخره را دلیل روشن دست‌نشاندهی دولت کودتا و صوری بودن استقلال کشور دانست.^۶ سرانجام زاهدی با تصرف در آرای مردم، افراد وابسته به شاه را وارد مجلس کرد و برای آنکه بتواند، حداقل به هدف اول خویش دست یابد و افکار عمومی را علیه آیت‌الله کاشانی منحرف سازد، اجازه داد سید مصطفی کاشانی به

۱. آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، کد ۲۳۷۳۳، ص ۲۸.

۲. محمدحسن سالمی، *دو نامه مهندس کاظم حسیبی به آیت‌الله کاشانی و پاسخ آن*، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۴، ص ۳۴.

۳. محمدعلی سفری، *قلم و سیاست*، همان، ص ۱۳۲.

۴. عباس سلیمان‌نژاد، *همان*، ص ۱۲۲.

۵. یونس مروارید، *ادوار مجالس قانون‌گذاری از مشروطه تا پهلوی*، تهران، اوحدی، ۱۳۷۷، ج ۳، ص ۵۰۷.

۶. محمدعلی موحد، *خواب آشفته نفت*، همان، ص ۱۱۵.



عنوان نماینده مردم طالش به مجلس راه یابد؛ موضوعی که به بروز اختلاف شدید بین آیت‌الله کاشانی و فرزندش انجامید. سید جعفر بهبهانی فرزند آیت‌الله بهبهانی نیز از دیگر افراد وارد شده به مجلس دوره هجدهم بود. آیت‌الله کاشانی بعد از انتخاب فرزندش به نمایندگی مجلس در مصاحبه‌ای با روزنامه دنیا چنین گفت:

فرزندم آقا مصطفی... بدون رضایت من از طوالش و کیل شده و در کوران سیاسی، من قدرت جلوگیری از او را نداشتم.^۱

ج: نامه آیت‌الله کاشانی به سازمان ملل متحد

انتخابات دوره هجدهم در فضای نظامی و امنیتی برگزار گردید و نمایندگان انتصابی دولت انتخاب شدند. آیت‌الله کاشانی با توجه به جو مملو از اختناق و اسفانگیزی که برای مردم ایران به وجود آمده بود، پس از مکاتبات متعددی که با مقامات حکومتی کشور داشت و نتوانست دولت زاهدی را متقاعد به رعایت اصول قانونی و برگزاری انتخابات در کمال آزادی نماید، در تاریخ ۲۰ بهمن ماه ۱۳۳۲، نامه‌ای به آقای هامر شولد دبیر کل سازمان ملل متحد نوشت. ایشان در این نامه علاوه بر آنکه فریاد مظلومیت مردم مسلمان ایران را به گوش جهانیان رساند، از اختناق شدید در ایران و محدود کردن آزادی و سانسور شدید انتخابات فرمایشی و ساختگی که توسط دولت زاهدی ایجاد شده بود به شدت انتقاد کرد و اعتراف کرد که هیچ وقت وضعیات مملکت به این اندازه اسفانگیز و دلخراش نبوده و آزادی جز برای عمال انگلیس وجود نداشته است. آیت‌الله در ادامه دولت را متهم کرد که تمام روزنامه‌های ملی و مخالف را توقیف کرده و با کنترل شدید چاپخانه‌ها، امکان انتقاد و نشر حقایق را از قاطبه ملت سلب نموده است. آیت‌الله در ادامه هدف دولت از این اقدامات دیکتاتوری را چنین برشمرد:

۱. حفظ مقام و موقعیت حکومت تحمیلی خود به بهانه مبارزه با کمونیسم؛

۲. برگزاری انتخابات مجلسین قانون گذاری با نقض اصول مسلمة حقوق ملی و قوانین موجود و سنن مشروطیت؛

۳. تصویب قراردادهایی که با حیثیت و استقلال و آزادی کشور ماینت دارد.

آیت‌الله سپس هدف از نوشتن چنین نامه‌ای به دبیر کل سازمان ملل را، چنین برشمرد: اولاً توسط آن سازمان بین‌المللی صدای اعتراض ملت ایران را به گوش دنیای آزاد برساند و ثانیاً از آنجا که دولت زاهدی «اصول مسلمة قانون اساسی مملکت و مواد مصوبه منشور ملل متفق و اعلامیه جهانی حقوق بشر را زیر پا گذاشته، نمی‌تواند مظهر اراده ملت و

۱. نامه دنیا، ش ۳۰۷، ۱۲/۹، ۱۳۳۲.

اقدامات و فعالیت‌های گسترده آیت‌الله کاشانی در حمایت از دولت دکتر مصدق پس از ملی شدن صنعت نفت که در اشکال مختلف صورت گرفت، نقش مهمی در اجرایی شدن قانون ملی شدن صنعت نفت و مبارزه با مخالفان داخلی و خارجی نهضت ایفا نمود؛ اما مشخص بود که نیروهای استعمارگر با کمک ایادی دست‌نشانده خویش در داخل که همچنان چشم طمع به منابع نفتی کشور داشتند، همه توان خویش را به منظور نابودی نهضت ملی ایران صرف کنند. آنها همه تلاش‌های خود را به منظور ناکام ساختن نهضت انجام دادند و سرانجام موفق شدند با جدایی‌افکنی و اختلاف میان آیت‌الله کاشانی و دکتر مصدق، وحدت و یکپارچگی مردم را که مهمترین دلیل پیروزی جنبش بود تضعیف کنند

منبعث از ملت باشد. بنابراین هر قرار و تعهدی را بنماید و مجلسین [فرمایشی] تصویب کند، فاقد ارزش و نفوذ قانونی بوده و ملت ایران خود را ملزم به احترام و اجرای آن نخواهد دانست... ملت ایران از آن سازمان و اعضاء آن سازمان که منشور ملل متحد و اعلامیه حقوق بشر را امضا و تصویب نموده‌اند انتظار دارد... خود را به حقایق اوضاع اسفناک کشور ما آشنا ساخته و برای تأمین جزیی منافع مادی که از معامله نفت ایران به دست می‌آید، حاضر نشوند که یک ملت زنده

تحت فشار قوای استعماری قرار گیرد و موجباتی پیش آید که متضمن عواقب وخیم برای صلح در این نقطه از جهان گردد...^۱

لازم به ذکر است، از آنجا که ارسال این نامه به علت سختگیری دستگاه حاکمه امکان نداشت و پست ایران از ارسال آن ممانعت به عمل می‌آورد، آیت‌الله نامه را به وسیله فرستاده‌ای به بیروت فرستاد تا از آنجا با ذکر علت به سازمان ملل متحد مخابره گردد.^۲ در ۹ اسفندماه ۱۳۳۲، هزارها برگ از این اعلامیه در چاپخانه موسوی به چاپ رسید و به طور محرمانه در بین مردم و به خصوص کسبه و اصناف بازار پخش گردید. اما رئیس ستاد فرماندار نظامی به محض آگاهی از این اقدام، دستور داد به سرعت نسبت به جمع‌آوری اعلامیه‌ها اقدام شود.^۳

آیت‌الله کاشانی در اقدامی دیگر، در اسفندماه ۱۳۳۲ نامه‌ای به محمدرضا شاه ارسال داشت و در آن اقدامات دولت در مورد نفت و انتخابات را برخلاف قانون اساسی دانست. او در این اعلامیه شاه را نیز مورد سرزنش قرار داد و گفت:

۱. م. دهنوی، همان، ص ۱۱۷-۱۱۴.

۲. روحانیت و اسرار فاش نشده از نهضت ملی شدن صنعت نفت، همان، ص ۴۳.

۳. روحانی مبارز آیت‌الله سید ابوالقاسم کاشانی به روایت اسناد، همان، اسناد شماره ۳۳۸ و ۳۳۹، ص ۶۸۵-۶۸۴.





مسئولیت این اقداماتی که از طرف دولت صورت می‌گیرد، متوجه شخص اعلیحضرت است؛ زیرا در شرایط فعلی که مجلس وجود ندارد، رئیس دولت مأمور شخصی اعلیحضرت است.^۱

شاه نامه را توسط رئیس دفترش برای رئیس دولت فرستاد. زاهدی که از مصاحبه‌ها و اعلامیه‌های پی‌درپی آیت‌الله کاشانی که به شدت به اقدامات دیکتاتورمآبانه وی حمله می‌شد خشمناک بود، سخنگوی دولت، سرتیپ فرزندگان، را واداشت تا در یک مصاحبه مطبوعاتی در دوم اسفند ۱۳۳۲، آیت‌الله را آماج حملات توهین‌آمیز قرار دهد. او در قسمتی از مصاحبه خویش آیت‌الله را شخص مجهول‌الهویه‌ای به نام سید ابوالقاسم کاشی خواند که برای خودنمایی و کسب شهرت، مطالبی دور از حقیقت و انصاف در باب انتخابات و نفت و دخالت خارجی‌ان در کار ایران گفته و قصد دارد با نوشتن نامه‌هایی بی‌اساس، جنجال راه انداخته و نظم عمومی را برهم زند.^۲ آیت‌الله کاشانی در روز سوم اسفندماه، در تماس تلفنی با زاهدی، از اظهارات سخنگوی دولت علیه ایشان انتقاد کرد. در همین روز عده زیادی از تجار بازار و نمایندگان عضو سازمان نهضت مقاومت ملی دانشگاه، آیت‌الله کاشانی را در منزل محمدعلی گرامی، دیدار کردند. آیت‌الله بعد از تشکر از آنها چنین اظهار داشت:

من به میهن پرستی همه آقایان اطمینان دارم و این عملیات دولت را که ملاحظه می‌کنید، تمامش برای از بین بردن من می‌باشد و من تا زنده هستم، با عمال اجنبی مبارزه خواهم کرد. مگر مرا از بین برند و در ضمن، پسر مرا وکیل کردند که من ساکت بنشینم اما من تمام ملت ایران را فرزند خودم می‌دانم و بر علیه دولت‌های دست‌نشانده خارجی تا آخر عمر مبارزه خواهم کرد.

در این هنگام چند نفر از دانشجویان، سخت به گریه افتادند و تمام حاضران سخت متأثر شدند. سپس آیت‌الله صورت همه آنها را بوسید و حاضرین با کسب اجازه مرخص شدند.^۳

مبارزات آیت‌الله کاشانی علیه کنسرسیوم

دولت انگلیس از ملی شدن صنعت نفت ایران ناراضی بود و به شاه و زاهدی فشار

۱. م. دهنوی، همان، ص ۱۲۱.

۲. عباس سلیمان‌نژاد، همان، ص ۱۲۵.

۳. روحانی مبارز آیت‌الله سید ابوالقاسم کاشانی به روایت اسناد، همان، سند شماره ۳۳۶، ص ۶۸۰-۷۷۹.



می‌آورد تا منافع شرکت نفت انگلیس را تأمین کند.^۱ نخستین اقدام دولت کودتا، بعد از برقراری روابط دیپلماتیک بین ایران و انگلیس، حل مسئله نفت بود. موضوع نفت که از زمان دکتر مصدق لاینحل باقی مانده بود، می‌بایست به نحوی حل شود.^۲ در این زمان، دولت امریکاهم که دولت کودتا را مدیون خود می‌دانست، مدعی سهمی از منافع ایران بود. امریکایی‌ها بعد از پیروزی کودتا، وامی به مبلغ ۴۵ میلیون دلار در اختیار دولت زاهدی قرار دادند و در ابتدا درباره قرارداد نفتی، صحبتی به میان نیاوردند. پس از مدتی، مستر هوور، مشاور نفتی امریکا به منظور مذاکره در مورد مسئله نفت، وارد تهران شد. دولت زاهدی با مشورت دو کارشناس خارجی به مطالعه درباره نفت ایران پرداخت و سرانجام به این نتیجه رسید که ایران قادر به استخراج و بهره‌برداری از نفت نیست و باید با شرکت‌های خارجی به توافق برسد.^۳ در روز ۱۲ اسفند، سفیر انگلیس در یک کنفرانس مطبوعاتی در تهران اعلام کرد که دولتین انگلیس و امریکا با تشکیل یک کنسرسیوم بین‌المللی به توافق رسیده‌اند. در روز ۴ فروردین ۱۳۳۳، علی امینی وزیر دارایی ایران، شرایط پیشنهادی کنسرسیوم را پذیرفت و در روز ۲۱ فروردین، شورای وزیران، کمیسیونی مرکب از امینی، مرتضی قلی بیات (رئیس هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت ایران) و فتح‌الله نوری اسفندیاری (عضو شورای عالی برنامه) تشکیل داد و از آنها خواست پس از انجام مذاکرات با کنسرسیوم بین‌المللی به توافق نهایی دست یابند. فردای آن روز، نمایندگان کنسرسیوم وارد تهران شدند. مذاکرات میان امینی و نماینده کنسرسیوم (هاوارد پیچ) به مدت سه ماه در تهران به درازا کشید و سرانجام در اوایل شهریورماه ۱۳۳۳، موافقت‌نامه‌ای از سوی هر دو طرف آماده شد. این موضوع مخالفت‌هایی از جانب مردم به همراه داشت. در ۷ شهریورماه، ده‌ها افسر، کارگر و آموزگار که متهم به ممانعت از تصویب قرارداد جدید بودند، بازداشت شدند. در ۲۲ شهریور تعداد افراد بازداشت‌شده تا ۶۰۰ نفر افزایش یافت که ۱۳۰ نفر آنها از کارگران پالایشگاه آبادان بودند.^۴ سرانجام این قرارداد در فضایی آمیخته از وحشت و ارباب‌پلیسی در ۲۸ شهریور ۱۳۳۳ به امضای علی امینی و پیچ، رئیس نمایندگی کنسرسیوم نفت رسید و به همین خاطر به قرارداد پیچ-امینی معروف شد.^۵ آیت‌الله

۱. عباس سلیمان نژاد، همان.

۲. اسماعیل اقبال، نقش انگلیس در کودتای ۲۸ مرداد، تهران، اطلاعات، ۱۳۷۵، ص ۱۹۱.

۳. جیمز بیل، شیر و عقاب، ترجمه فروزنده برلیان (جهانشاهی)، تهران، فاخته، ۱۳۷۱، ص ۱۶۰-۱۴۸.

۴. شاه‌رخ وزیری، نفت و قدرت در ایران، ترجمه مرتضی ثاقب‌فر، تهران، عطایی، ۱۳۸۰، ص ۳۳۳.

۵. محمدعلی کاتوزیان، اقتصاد سیاسی ایران از مشروطیت تا پایان سلسله پهلوی، ترجمه محمدرضا عزیزی،

تهران، مرکز، ۱۳۷۵، ص ۲۴۷.

کاشانی در چنین شرایط سخت و دشواری که دولت زاهدی مقدمات عقد قرارداد نفت با کنسرسیونم را فراهم می‌کرد، باز هم خاموش ننشست و فعالیت‌ها و اقدامات زیادی علیه نمایندگان کنسرسیونم و جریان مذاکرات مربوط به آن انجام داد.

الف: نامه آیت‌الله کاشانی به وزیر دارایی

آیت‌الله کاشانی در زمانی که نمایندگان ایران، مأمور و مشغول مذاکره برای فروش و صدور نفت ایران بودند و هنوز اطلاع دقیق و صحیحی از کیفیت مسائل و پیشنهادات و نظریات مطروحه، به خصوص راجع به قیمت نفت و غرامت ادعایی در دسترس نبود، طی نامه‌ای به دکتر علی امینی (وزیر دارایی کابینه زاهدی) در اواخر اسفند ۱۳۳۲ به انعقاد قرارداد کنسرسیونم اعتراض کرد. آیت‌الله در این نامه، توجه وزیر دارایی را به نکات ذیل جلب نمود:

۱. قانون نه‌ماده، به هیچ‌وجه قابل تغییر و تفسیر نیست و هر قراردادی برخلاف قانون مذکور منعقد شود، از درجه اعتبار ساقط است.
۲. ملت ایران نه تنها از بابت تأسیسات شرکت سابق بدهکاری ندارد، بلکه طبق اصول عدل و انصاف و قوانین جاریه داخلی و بین‌المللی، مبالغ هنگفتی از شرکت سابق طلبکار می‌باشد. طبق ماده ۱۵ امتیازنامه دارسی که مدت آن شصت سال بود، پس از پایان امتیاز کلیه اموال شرکت «تمام اسباب و ابنیه و ادوات موجود» در ایران و خارج ایران به امتیازدهنده تعلق می‌گرفت. امتیازنامه مذکور مدت ۳۲ سال ملاک عمل بود تا در سال ۱۹۳۳ قرارداد دیگری جانشین آن شد. این قرارداد نیز تحمیلی بود و امضاکننده آن خود را «آلت دست» و مجبور، معرفی نمود. از طرفی انگلیسی‌ها با انعقاد این قرارداد، استیلائی استعماری خود را به منابع طبیعی ایران محکم‌تر و طولانی‌تر ساختند و نه تنها سی و چند سال بر مدت امتیاز افزودند، بلکه سهم ایران از درآمدهای شرکت سابق را تقلیل دادند. بنابراین چنانچه قرارداد ۱۹۳۳ را غیر نافذ و باطل تلقی کنیم، شرکت سابق می‌بایست کلیه درآمدهای آن را که از سال ۱۹۳۳ تا ۱۹۵۰ به دست آورده به ایران مسترد دارد و اگر فرضاً قرارداد ۱۹۳۳ را تا تاریخ ملی شدن صنعت نفت نافذ بدانیم، بند ماده یک، دو و بیست قرارداد را باید در نظر داشته باشیم که می‌گوید: «در موقع ختم امتیاز، خواه این ختم به واسطه انقضای عادی مدت و یا به هر نحو دیگری



پیشامد کرده باشد، تمام دارایی کمپانی در ایران به طور سالم و قابل استفاده، بدون هیچ مخارج و قیدی متعلق به دولت می‌گردد». اینکه می‌گویند در قانون ۹ ماده‌ای، پرداخت غرامت پیش‌بینی شده است باید متذکر شوم که مسئله پرداخت غرامت از این جهت در قانون گنجانده شده که نهایت حسن نیت ملت ایران اعلام شده باشد، در حالی که برای پرداخت غرامت هیچ‌گونه الزامی وجود ندارد، زیرا در قانون مزبور نوشته شده است که ۲۵ درصد درآمد خالص در یک بانک مرضی الطرفین گذاشته شود که در صورت لزوم برای پرداخت غرامت، محسوب گردد. ۳. در حالی که تعدادی از شرکت‌های نفت، برای خریداری نفت ایران کنسرسیومی تشکیل داده‌اند؛ اما در باب قیمت آن هیچ سخنی گفته نشده است. باید تذکر دهم ملت ایران بعد از تحمل محرومیت‌های بی‌شمار و پس از حضور و جواب‌گویی و موفقیت در دیوان بین‌المللی دادگستری لاهه به هیچ‌وجه حاضر نیست کوچکترین حقی از حقوق قانونی‌اش ساقط گردد. ملت ایران طرز عمل کمپانی‌های نفت در کشورهای دیگر را ملاک عمل قرار نخواهد داد و حاضر نیست هیچ‌گونه باج و خراج از منابع طبیعی و خدادادی ایران به خریداران نفت پرداخت نماید. خریداران احتمالی نفت ایران فقط با در نظر گرفتن این اصل مسلم و احترام کامل به حقوق طبیعی و قانونی ملت مستقل و آزاد ایران می‌توانند با ما روابط تجاری برقرار کرده و نفت ایران را برای مشتریان خود خریداری نمایند.^۱

ب: اعلامیه آیت‌الله کاشانی علیه قرار داد کنسرسیوم

آیت‌الله کاشانی در ۱۵ اردیبهشت‌ماه ۱۳۳۳ به اتفاق فرزندش سید مصطفی عازم مشهد شد و در ۲۳ خرداد به تهران آمد.^۲ پس از بازگشت اعلامیه‌ای به مناسبت سومین سالگرد خلع ید از شرکت نفت انگلیس و ایران منتشر کرد که در بیشتر مطبوعات به چاپ رسید. آیت‌الله در این اعلامیه اظهار داشت که ملت ایران پس از قبول و تحمل انواع محرومیت‌ها و مشکلات و خسارات، اجازه تسلط دوباره اجنبی بر کشور را نخواهد داد و تا

۱. فؤاد روحانی، تاریخ ملی شدن صنعت نفت/ ایران، تهران، شرکت سهامی کتاب‌های جیبی، ۱۳۵۳، ص ۱۳۵-۱۳۲.

۲. محمدعلی سفری، قلم و سیاست، همان، ص ۹۶.



آخرین نفس برای تأمین حقوق خود ایستادگی خواهد کرد.^۱ آیت‌الله کاشانی در اقدامی دیگر هنگامی که مفاد قرارداد کنسر سیوم آشکار و علنی شده بود، با صدور اعلامیه‌ای در تاریخ اول شهریورماه ۱۳۳۳، در مقابل این قرارداد موضع‌گیری کرد و نهایت تأسف و تعجب خود را از انعقاد آن اعلام نمود. او در ابتدای اعلامیه، پس از ذکر فجایع و مظالم انگلیس بر ایران، گفت:

یک قرن دولت انگلیس و نیم قرن سلطه استعماری شرکت نفت به پشتیبانی آن دولت، مظالم را به جایی رساند که امروز اکثریت بیست میلیون نفر مردم ایران فقیر و بیچاره و به مصائب گوناگون دچار شده‌اند. آیت‌الله در ادامه، بعد از آنکه شمه‌ای از مبارزات مردم ایران در راه ملی شدن صنعت نفت را توضیح داد، نوشت:

انتظار می‌رفت که دولت انگلیس از گذشته‌ها عبرت بگیرد و... از ادامه سیاست گذشته و طمع کارانه و به زنجیر کشیدن ملل ضعیف... اجتناب ورزد.

آیت‌الله سپس امریکارا مورد سرزنش قرار داد و نوشت: «هنگامی که دولت امریکا، که خود را پیشاهنگ اصول دموکراسی جهانی و مبتکر منشور آتلانتیک و پشتیبان سازمان ملل متحد می‌داند، در این معامله بی‌شرمانه و انتقام‌جویی وقیحانه با انگلستان مکار و حيله‌گر همکاری می‌نماید...»، ملت مظلوم ایران حق دارد «از آزادی و آزادخواهی ناامید و نسبت به تمام ادعاهای دنیای غرب بدگمان گردد. ملت ایران هم حق دارد تصور کند چند میلیون دلاری که به عنوان کمک از طرف امریکا به ایران می‌رسد و قسمت عمده آن برای تأمین منافع عده محدودی خرج می‌شود، فقط برای این بوده که بعداً چند صد برابر آن را از حلقوم ملت رنج‌دیده این سرزمین بیرون آورند». آیت‌الله کاشانی در حالی که از انعقاد قرارداد دولت با کنسر سیوم به شدت متأثر بود، با تحلیلی این قرارداد را ننگین‌تر از قرارداد ۱۳۱۲ (۱۹۳۳م) رضاشاه خواند و به منعقدان چنین قراردادی هشدار داد و گفت: «ملت ایران اجازه نمی‌دهد سرنوشت حیات اقتصادی وی در خارج از این مملکت آن هم لندن معین بشود و هرگز قبول نخواهد کرد، برای چهل سال دیگر زیر نفوذ اقتصادی اجنبی باقی باشد». آیت‌الله تنها روش حل مشکل مسئله نفت را آن دانست که «بدون هیچ‌گونه مداخله کنسر سیوم، در امور نفت و مناطق نفت‌خیز و استخراج و اکتشاف و بهره‌برداری، نفت ایران را به قیمت عادلانه خریداری نماید و دولت

ایران غیر از متخصصین ایرانی آنچه احتیاج داشته باشند از دول بی طرف استخدام نماید». آیت الله در ادامه انعقاد قرارداد کنسرسیوم را ننگین ترین و بی شرمانه ترین قراردادها دانست و ضمن انتقاد از دولت زاهدی به وی گوشزد کرد که عمر دولتش ابدی نیست و اگر برخلاف صلاح مملکت و ملت عمل

استعمارگران از همان ابتدا به این نتیجه رسیدند که برای هر نوع مقابله با نهضت ملی کردن نفت، باید اتحاد بین آیت الله کاشانی و دکتر مصدق را از بین برده و از هر فرصت برای به شکست کشاندن قانون ملی شدن صنعت نفت استفاده کنند. بدین ترتیب برای جدایی دو رهبر کوشش های فراوانی از سوی آنها به عمل آمد و سرانجام چنان زیرکانه عمل کردند که به تدریج روزنه نفاق و دودستگی را بین آن دو ایجاد کردند

نماید، نام او در ردیف خائن ترین افراد ثبت خواهد شد و لعن و نفرین ابدی ملت، پشت سرش خواهد ماند. همین طور به امینی هشدار داد و گفت: راهی که می رود خطرناک است و مورد مغفور خدا و مردم واقع خواهد شد. آیت الله سپس به امضاکنندگان چنین قراردادی، اعلام کرد که با اعمال زور و فشار نمی توانند به اجرای این قرارداد توفیق یابند؛ زیرا در صورت تصویب هم، از یک طرف رسمیت ندارد و از طرفی بار دیگر با خلع ید ملت ایران مواجه خواهد شد. آیت الله کاشانی در پایان ضمن اعلام آمادگی خویش برای مرگ در راه سیانت و حراست از نهضت ملی، از مردم خواست با حفظ وحدت و اتفاق اولیه نهضت، از شرافت و حاکمیت ملی دفاع کنند.^۱

ج: سخنرانی سید مصطفی کاشانی در مجلس

آیت الله کاشانی در مبارزه با قرارداد کنسرسیوم، تنها به صدور اعلامیه اکتفا نکرد؛ بلکه از فرزندش سید مصطفی که برخلاف میل او به مجلس راه یافته بود، خواست نطق مبسوطی علیه قرارداد در مجلس ایراد کند. هر چند دولت با انتخاب نمایندگان فرمایشی دوره هجدهم بر آن بود تا قرارداد کنسرسیوم را به راحتی تصویب کند؛ اما سید مصطفی کاشانی به امر آیت الله در شمار مخالفان قرارداد درآمد. بدین ترتیب که در نطق مفصل و مستدلی که در روز ۲۰ مهرماه ۱۳۳۳ ایراد نمود، چند جلسه مجلس را به خود مشغول کرد. سید مصطفی کاشانی در سخنرانی خود، منطبق قرارداد کنسرسیوم را همان منطبق شرکت سابق نفت دانست که قصد دارد چهل سال دیگر حاکم بر منافع نفتی ایران شود. او در عین حال به حکومت هشدار داد که با هیچ قانون و مقررات و قراردادی نخواهد توانست منطق ملت ایران را از ملی شدن صنایع نفت در کشور تغییر

۱. م. دهنوی، همان، ص ۱۵۱-۱۴۶.





دهد. وی در قسمتی از نطق خود چنین گفت:

آن روز ما استقلال سیاسی می خواستیم، حالا هم می خواهیم؛ آن روز از اسارت اقتصادی بیگانه جانمان به لب رسیده بود و زنجیر اسارت اقتصادی را پاره کردیم، حالا هم نمی گذاریم به اسارت بیگانه در آییم. سید مصطفی در ادامه ضمن شرح مواد و ضوابط قرارداد، کنسرسیوم را برخلاف حاکمیت ملی و استقلال اقتصادی کشور دانست و گفت: ملت ایران به هیچ وجه زیر بار نه تنها این قرارداد؛ بلکه هیچ گونه قراردادی که مغایر حاکمیت ملی و استقلال سیاسی ملت ایران باشد، نخواهد رفت. او سپس به مبارزات دیگر کشورها در برابر استعمارگران اشاره کرد و گفت: در زمانی که هند و اندونزی از قید استعمار انگلیس و هلند آزاد شدند، در سال هایی که مسلمانان تونس و مراکش کاخ استعمار فرانسه را در هم کوبیدند و مصری ها قشون انگلیس را از خاک خود راندند، ما حاضر نیستیم بساط استعمار را تجدید کنیم و نه به انگلستان، نه به امریکا و نه به فرانسه و هلند اجازه نمی دهیم، مهمترین صنعت کشورمان را در دست گیرند. وی در پایان از نمایندگان مجلس خواست به سنگینی بار مسئولیت خود توجه کنند و مانع از تصویب چنین قرارداد شرم آوری شوند.^۱

د: تصویب قرارداد کنسرسیوم

نطق سید مصطفی فرزند آیت الله کاشانی در مجلس هم نتیجه ای به همراه نداشت؛ زیرا زمینه سازی برای تصویب چنین قراردادی، بعد از کودتای ۲۸ مرداد آغاز شده بود. شاه امضای این قرارداد را به معنای ملی شدن صنعت نفت به مفهوم واقعی کلمه می دانست^۲ و در نتیجه وعده تصویب آن را به امریکا و انگلیس داده بود. دکتر مصدق که در این زمان در زندان بود به قرارداد اعتراض کرد و آن را سند اسارت ۲۵ ساله ایران دانست. او در لایحه فرجامی که برای دیوان عالی کشور فرستاد، بنبند این قرارداد را تفسیر کرد و آن را مغایر با ملی شدن صنعت نفت و در جهت سلطه سیاسی و اقتصادی استعمارگران بر ایران اعلام کرد.^۳ اما متأسفانه آیت الله کاشانی و دکتر مصدق که اختلافشان با یکدیگر کودتا را ممکن کرده بود، تنها زمانی با یکدیگر هم صدا شدند که دکتر مصدق در زندان

۱. رک: صورت مذاکرات نمایندگان دوره هجدهم مجلس شورای ملی، جلسات ۲۰، ۲۱، ۲۲ و ۲۷ مهرماه ۱۳۳۳.

۲. محمدرضا پهلوی، پاسخ به تاریخ، ترجمه حسین ابوترابیان، تهران، زریاب، ۱۳۷۹، ص ۱۴۶.

۳. رک: حسن صدر، دفاع دکتر مصدق از نفت در زندان زرهی، تهران، سپهر، ۱۳۵۷، ص ۵۸-۵۵؛ اسناد نهضت مقاومت ملی ایران، تهران، نهضت آزادی ایران، ۱۳۶۵، ج ۱، ص ۲۹۳-۲۵۷.

و آیت‌الله کاشانی در خانه‌اش تحت نظر بود.^۱ بنابراین به رغم درخواست آیت‌الله کاشانی از نمایندگان، مبنی بر مخالفت با انعقاد و تصویب هر گونه قراردادی با کنسرسیوم،^۲ این قرارداد در روز ۲۹ مهرماه ۱۳۳۳ با ۱۱۳ رأی موافق و پنج رأی مخالف و یک رأی ممتنع به تصویب مجلس رسید.^۳

یک هفته بعد، مجلس سنا نیز با ۴۱ رأی موافق در برابر ۴ رأی مخالف و ۴ رأی ممتنع قرارداد را تصویب نمود.^۴ شاه نیز در همان روز آن را توشیح کرد^۵ و بدین گونه مجلس هجدهم شورای ملی با اعضای یکدست و انتصابی خود، مهمترین مسئله سه دوره پیشین مجلس، یعنی نفت را با واگذاری امتیاز استخراج تولید و فروش به یک کنسرسیوم بین‌المللی فیصله داد.^۶ در نتیجه این قرارداد، کنسرسیومی مرکب از شرکت‌های انگلیسی (۴۰ درصد سهام)، امریکایی (۴۰ درصد سهام)، هلندی و فرانسوی (۲۰ درصد سهام)، تشکیل شد^۷ که تولید و عرضه نفت ایران را به مدت ۲۵ سال در مقابل پرداخت ۵۰ درصد از خالص دریافتی‌ها به دولت ایران بر عهده گرفت.^۸ بدین ترتیب به سلطه انحصاری شرکت سابق نفت انگلیس و ایران خاتمه داده شد و به جای آن هفت شرکت بزرگ نفتی دیگر در کنار انگلیس به غارت منافع نفتی ایران پرداختند؛^۹ تا جایی که علی‌امینی، رئیس هیئت نفتی ایران، تلویحاً به خفت‌بار بودن این قرارداد اعتراف کرد.^{۱۰} او بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در مصاحبه‌ای گفت:

با وجود آنکه آیت‌الله کاشانی از من درخواست کرد که استعفا داده و با کنسرسیوم معامله نکنم، ولی به لحاظ بدی اوضاع مالی مملکت، مجبور به امضای قرارداد کنسرسیوم شدم.^{۱۱}

به موجب این قرارداد کلیه عملیات صنعتی در اختیار کنسرسیوم درآمد و شرکت ملی نفت ایران، اداره عملیات غیر صنعتی (کارهای ساختمانی، گاز، برق، آبرسانی و امور

۱. مسعود بهنود، همان، ص ۴۰۵.

۲. روحانی مبارز آیت‌الله سید ابوالقاسم کاشانی به روایت اسناد، همان، سند شماره ۳۴۰، ص ۶۸۶.

۳. محمدعلی موحد، همان، ص ۳۶۷.

۴. بهرام افراسیابی، ایران و تاریخ، تهران، علم، ۱۳۶۷، ص ۱۹.

۵. اسناد سخن می‌گویند، پژوهش و برگردان احمدعلی رجایی و مهین سروری، تهران، قلم، ۱۳۸۲، ج ۲، ص ۱۵۹۷.

۶. زهرا شجیعی، نخبگان سیاسی ایران، تهران، سخن، ۱۳۷۲، ج ۴، ص ۲۳۱-۲۳۲.

۷. آرشیو اسناد قدیمه وزارت امور خارجه، کارتن ۲۶، پرونده ۱۰، سال ۱۳۳۲، ص ۲۹.

۸. محمدعلی کاتوزیان، همان، ص ۲۴۷.

۹. اسماعیل اقبال، همان، ص ۲۰۰.

۱۰. علی‌امینی، خاطرات، یعقوب توکلی (به کوشش)، بی‌جا، سوره، بی‌تا، ص ۷۶.

۱۱. محمدحسن سالمی، همان، ص ۴۷۱.



استخدامی) را بر عهده گرفت. یگانه امتیاز کسب شده توسط دولت ایران، افزایش میزان وصول مالیات از سود کنسر سیوم بود. اما نکته مهم قرارداد آن بود که برخلاف قانون ملی شدن صنعت نفت ایران، شرکت‌های خارجی به استخراج و بهره‌برداری نفت ایران مشغول می‌شدند و به ویژه مقدار لازم تولید و قیمت و مقصد فروش را خودشان تعیین می‌کردند.^۱ علاوه بر این، انگلیسی‌ها با دریافت ۲۵ میلیون لیره گرامت و ۲۱ میلیون لیره بابت استهلاک تأسیسات خود موافقت کردند.^۲ اقدامات و فعالیت‌های آیت‌الله کاشانی در مخالفت با برقراری رابطه با دولت انگلستان و حل مسئله نفت به نفع بیگانگان موجب گشت تا ایشان در روز ۲۷ بهمن ماه ۱۳۳۴ به اتهام شرکت در فعالیت‌های فداییان اسلام در قتل رزم‌آرا بازداشت و به زندان لشکر دوزرهی انتقال یابد.^۳ اما اعتراضات یکپارچه جامعه روحانیت و به ویژه ایستادگی آیت‌الله بروجردی سبب شد تا رژیم پهلوی حکم بازداشت آیت‌الله را به دلیل بیماری لغو کرده^۴ و ایشان را در ۲۳ اسفندماه ۱۳۳۴ به همراه هشت نفر دیگر از متهمان به معاونت در قتل رزم‌آرا، با قید عدم خروج از حوزه قضایی تهران آزاد کند.^۵ بعد از استعفای حسین علاء^۶ از نخست‌وزیری در ۱۴ فروردین ۱۳۳۶، دکتر منوچهر اقبال (وزیر دربار و رئیس دانشگاه تهران) به سمت نخست‌وزیری تعیین گردید.^۷ مجلس شورای ملی در روز ۱۲ مردادماه ۱۳۳۶، قرارداد شرکت ملی نفت ایران با شرکت نفت ایتالیایی آجیپ (شرکت فرعی ایتالیایی انی) به منظور تشکیل شرکت مختلط ایرانی - ایتالیایی موسوم به «سیرپ» را به تصویب رسانید،^۸ تا به استخراج نفت و گاز در سه منطقه بلوچستان، قسمت شرقی کوه‌های زاگرس و مناطق زیرآبی خلیج فارس، بپردازد. آیت‌الله کاشانی در سخنانی که در جمع دوستان در منزل ایراد کرد به تصویب این قرارداد هم اعتراض نمود و گفت:

اصولاً شرکت ایتالیایی وجود ندارد که بتواند به راحتی با ایران طرف معامله شود. این شرکت‌ها همان شرکت‌های انگلیسی و امریکایی هستند [که] به اسم شرکت ایتالیایی [برای] گول زدن مردم این طور

۱. شاه‌رخ وزیری، همان، ص ۳۳۶.

۲. منوچهر محمدی، همان، ص ۱۱۰.

۳. باقر عاقلی، همان، ص ۶۳-۶۲.

۴. عباس سلیمان‌نژاد، همان، ص ۱۳۱.

۵. روحانی مبارز، آیت‌الله سید ابوالقاسم کاشانی به روایت اسناد، همان، سند شماره ۳۹۳، ص ۷۵۹.

۶. حسین علاء در اوایل سال ۱۳۳۴ به جای زاهدی به مقام نخست‌وزیری رسید.

۷. احمد عبدالله پور، نخست‌وزیران ایران، بی‌جا، علمی، ۱۳۶۹، ص ۲۵۴.

۸. احمد راسخی لنگرودی، موج نفت، تهران، اطلاعات، ۱۳۸۶، ص ۲۷۶-۲۷۵.

رفتار می‌کنند.^۱

سرانجام حضرت آیت‌الله کاشانی پس از مبارزات بی‌وقفه و مستمر در مبارزه با استعمارگران و بیگانگان در ساعت ۵ و ۴۵ دقیقه صبح روز چهارشنبه ۲۳ اسفند ۱۳۴۰ در ۸۰ سالگی دار فانی را وداع گفت و به رحمت ایزدی پیوست.^۲ جنازه آیت‌الله بر دوش علما، دانشمندان و مؤمنین تهران از مدرسه عالی سپهسالار (شهید مطهری) تشییع و در جوار حضرت عبدالعظیم حسنی در شهرری به خاک سپرده شد.^۳ دولت نیز هر چند به مناسبت فوت ایشان پنج روز عزای ملی اعلام کرد،^۴ ولی از درگذشت آیت‌الله کاشانی بسیار خوشحال شد، زیرا یک مزاحم فعال و خستگی‌ناپذیر را برای همیشه پشت سر گذاشت.

نتیجه

نهضت ملی شدن صنعت نفت و قطع نفوذ و دخالت شرکت نفت انگلیس از مهمترین صنعت حیاتی کشور، یکی از مهمترین جنبش‌های سیاسی و اجتماعی در تاریخ معاصر ایران به شمار می‌آید که بدون تردید همکاری و اتحاد آیت‌الله کاشانی و دکتر مصدق، رهبران برجسته مذهبی و ملی، نقش مهمی در پیروزی آن به همراه داشته است. این موضوع برای ایادی دربار و استعمارگران به خصوص انگلیسی‌ها که بر آن بودند مسئله نفت را به هر نحوی به سود خویش حل و فصل نمایند، قابل تحمل نبود. آنها از همان ابتدا به این نتیجه رسیدند که برای هر نوع مقابله با نهضت ملی کردن نفت، باید اتحاد بین آیت‌الله کاشانی و دکتر مصدق را از بین برده و از هر فرصت برای به شکست کشاندن قانون ملی شدن صنعت نفت استفاده کنند. بدین ترتیب برای جدایی دور رهبر کوشش‌های فراوانی از سوی آنها به عمل آمد و سرانجام چنان زیرکانه عمل کردند که به تدریج روزنه نفاق و دودستگی را بین آن دو ایجاد کردند. آنها سرانجام شکاف و جدایی میان آن دو را چنان وسیع و بحرانی کردند که ضربه سختی بر همبستگی و یکپارچگی رهبری جبهه ملی وارد آوردند و در نتیجه مقدمات شکل‌گیری کودتای ۲۸ مرداد و در نهایت سقوط نهضت ملی شدن صنعت نفت را باعث شدند. دکتر مصدق به زندان افتاد و آیت‌الله کاشانی در خانه‌اش تحت مراقبت قرار گرفت و مسئله نفت به نفع استعمارگران

۱. روحانی مبارز آیت‌الله سید ابوالقاسم کاشانی به روایت اسناد، همان، سند شماره ۴۴۵، ص ۴۸.

۲. مسعود بهنود، همان، ص ۴۶۴.

۳. روحانی مبارز آیت‌الله سید ابوالقاسم کاشانی به روایت اسناد، همان، سند شماره ۵۰۰، ص ۹۵۴.

۴. همان، ص ۶۲۰.



حل و فصل گردید. تلاش فراوان آیت‌الله کاشانی هم به منظور جلوگیری از لغو قانون ملی شدن صنعت نفت در نتیجه تسلط نیروهای کودتا در سراسر کشور راه به جایی نبرد و بدین ترتیب نهضتی که یکی از مهمترین جنبش‌های سیاسی و اجتماعی در تاریخ معاصر ایران به شمار می‌آید در نتیجه اتحاد و همکاری کشورهای انگلیس و آمریکا با عوامل داخلی استبداد که در نتیجه اختلاف و جدایی بین نیروهای مذهبی و ملی ممکن شده بود، پایان یافت.

